

## اجرای زود هنگام تعهدات در فقه و حقوق ایران\*

- محمدعلی خورسندیان<sup>۱</sup>
- ریحانه نصری پور<sup>۲</sup>

### چکیده

از شرایط تأثیرگذار بر روابط طرفین در اجرای تعهد، زمان و موعد اجراست. در اغلب نظام‌های حقوقی، اصل اولی در تعیین زمان اجرای قرارداد، حاکمیت اراده طرفین است و سپس قانون، دادگاه و عرف ایفای نقش می‌کنند. هدف نوشته پیش رو بررسی این مطلب است که در صورت تعیین زمانی برای اجرای تعهد، آیا متعهد می‌تواند قبل از موعد مقرر، آن را اجرا نماید؟ آثار مترتب بر اجرای زود هنگام قرارداد با توجه به اینکه زمان اجرای قرارداد به صورت شرط ضمن عقد باشد یا قید موضوع اصلی قرارداد، متفاوت است. همچنین ماهیت این اجرا می‌تواند عقد یا ایقاع یا واقعه حقوقی باشد و در این زمینه، نظریه‌های عدم پذیرش و پذیرش مشروط اجرای زود هنگام ابراز شده است. مقاله حاضر موضوع را بسته به این تقسیم نموده که در توافق صریح یا ضمنی طرفین و یا با توجه به اوضاع و

\* تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۶/۱۱ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۱/۹.

۱. دانشیار دانشگاه شیراز (mkhorsandian@yahoo.com).

۲. کارشناس ارشد حقوق خصوصی (نویسنده مسئول) (nasripour@yahoo.com).

احوال، مدت به نفع کدام طرف باشد و حکم حالت سکوت را تفسیر به نفع متعهد می‌داند.

**واژگان کلیدی:** اجرای تعهد، زمان اجرای تعهد، ماهیت اجرای تعهد، اجرای زود هنگام.

### مقدمه

اثر اصلی ایجاد تعهد، پیدایش وظیفه قانونی بر اجرای عمل مثبت یا منفی مورد تعهد، یعنی انجام یا ترک فعلی است که یکی از دو طرف در برابر دیگری یا هر دو طرف در برابر یکدیگر به عهده می‌گیرند. از سوی دیگر، خردمندان از تعهد بیهوده می‌پرهیزند. اجرای تعهد یا وفای به عهد، از بدیهی‌ترین ارزش‌های اجتماعی است که مقبولیت عمومی دارد. افزون بر این، حُسن وفای به عهد و قبح عهدشکنی از گزاره‌های فطری است که آیات و روایات نیز به آن اشاره می‌کنند (احمدی جشقانی، ۱۳۷۵: ۱۵؛ مرتضوی، ۱۳۸۹: ۱۰). در تفسیر آیه «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» گفته‌اند که شرط دین‌باوری و ایمان به خدا، التزام به عهد و پیمان است و یکی از ویژگی‌های مؤمنان، این اصل مهم اجتماعی و حقوقی است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵/۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۳۱۶-۳۱۷/۴؛ قرائتی، ۱۳۸۳: ۲۲۹/۵-۲۳۰). در حقیقت، هیچ اجتماعی راه زندگی اجتماعی و پیشرفت به سوی مقاصد خود را جز به وسیله پایبندی به تعهدات هموار نمی‌بیند. از این رو، همواره بخشی از قوانین وضعی، به وفای به عهد اختصاص دارد که گاه به صورتی مستقل و گاه نیز ذیل عنوان سقوط تعهدات به آن پرداخته‌اند (خوئینی، ۱۳۸۶: ۱۶). در فقه اسلامی، فقهای امامی و اهل سنت بحث حقوق تعهدات و اجرای تعهد را در ابواب «دین»، «رهن»، «ضمان» و در بسیاری از ابواب دیگر تکرار نموده‌اند (حلی، ۱۴۰۳: ۳۳۷-۳۳۰؛ محقق حلی، ۱۴۱۲: ۴۴-۲۲).

زمان اجرای هر تعهد، عنصر مهمی از مسئولیت طرفین است که هنگام هم‌پیمانی دو سوی تعهد تعیین می‌شود، اما گاه این موضوع به سکوت برگزار می‌شود. در این موارد ناگزیر باید به عرف و عادت روی آورد یا از طبیعت عقد در تعیین زمان مناسب برای اجرای آن بهره بُرد (نوروزی شمس، ۱۳۷۵: ۲). به هر روی متعهد و متعهدله ممکن است تمایل به تغییر برنامه زمانی تحویل داشته باشند که قرارداد بر آن دلالت دارد؛ برای مثال در صورت کاهش تقاضا، خریدار ترجیح می‌دهد تاریخ اجرای تعهد (تحویل

کالا) به تأخیر افتد تا تراکم غیر ضروری در انبار به وجود نیاید یا اگر جهشی در تقاضا رخ دهد، ترجیح می‌دهد تا تحویل زودتر از زمان توافق شده انجام شود (پاکدامن، ۱۳۸۴: ۱۴۵). پرسش اساسی جستار حاضر این است که در صورت تعیین زمانی خاص برای اجرای یک تعهد، آیا متعهد می‌تواند پیش از موعد، پیمان خود را اجرا کند؟

برای پاسخ به این پرسش، نوشته پیش رو در دو بخش سامان یافته است. در بخش نخست ضمن تعریف مفاهیم مرتبط با موضوع، دیدگاه‌های مختلف درباره ماهیت اجرای تعهد بررسی می‌گردد و در بخش دوم دیدگاه‌های فقها و حقوق‌دانان درباره اجرای زود هنگام تعهد به بوته نقد گذاشته می‌شود و از این رهگذر پیشنهادهایی به عنوان نتیجه ارائه می‌گردد.

## ۱. مفهوم‌شناسی

### ۱-۱. اجرای تعهد

اجرا از مقتضیات تعهد است. وفای به عهد یا اجرای تعهد معمولی‌ترین شیوه سقوط تعهد است؛ زیرا از این طریق برای طرفین نتیجه و هدفی که از انعقاد عقد و تشکیل تعهد انتظار داشته‌اند، حاصل می‌گردد. وفای به عهد جز با رعایت شرایط قرارداد تحقق نمی‌پذیرد؛ خواه آن شرایط ناشی از توافق طرفین باشد یا منبث از عرف یا قانون (شهیدی، ۱۳۸۴: ۱۰۹/۳).

اجرا از نظر لغوی به معنای جاری کردن، انجام دادن و روا کردن امری است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۱۴۸؛ عمید، ۱۳۷۴: ۷۷). هر چند قانون مدنی اجرای تعهد را از موارد سقوط تعهد محسوب کرده، آن را تعریف نکرده است (مقدم، ۱۳۷۷: ۸۷)، البته حقوق‌دانان در تعریف آن گفته‌اند: اجرای تعهد به معنای اجرای قانون و مدلول و مفاد عقد و قرارداد و به جای آوردن التزامی است که مدیون بر عهده دارد (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۲۰۵؛ شعبانی، ۱۳۸۵: ۲۷). برخی دیگر آن را چنین تعریف کرده‌اند:

اجرا به مفهوم کاربرد قانون یا حکم دادگاه یا تصمیم و دستور مرجع اداری یا کاربرد سند رسمی و یا به کار بستن تعهدات به کار می‌رود (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۵: ۶۵).

در مجموع، اجرای تعهد یعنی متعهد آنچه را که به موجب قانون یا قرارداد بر عهده دارد، انجام دهد؛ مثلاً اگر تعهد به انتقال مال کرده، آن را به طرف تسلیم کند و اگر تعهد به انجام فعل کرده، فعل را مطابق با ویژگی‌های قرارداد اجرا کند و اگر تعهد به ترک عملی کرده است آنچه را باید ترک کند انجام ندهد. در اصطلاح حقوقی و متن قانون مدنی، اجرای تعهد با عنوان «ایفا و وفای به عهد» آمده است. ایفای تعهد عبارت است از انجام تعهدی که شخص در مقابل دیگری به انجام عمل یا تسلیم کالایی دارد (بروجردی عبده، ۱۳۸۰: ۱۷۴-۱۷۰؛ شهبازی‌نیا و رزاقی، ۱۳۹۰: ش ۱۳۶/۳۴). برخی وفای به عهد را انجام ارادی مورد تعهد توسط متعهد تعریف کرده‌اند (جلیل‌زاده خوبی، ۱۳۵۴: ۳).

در حقوق خارجی نیز از اجرای تعهد، ایفا، تأدیه و وفای به عهد به «Performance» تعبیر شده است. حقوق انگلیس اجرای ناقص تعهد یا اجرای تعهد را به گونه‌ای که با شرایط مقرر در قرارداد منطبق نباشد ایفای تعهد نمی‌داند (Brown, 1999: 140).

## ۲-۱. موعد اجرای تعهد

زمان اجرا از عوامل تأثیرگذار بر مسئولیت طرفین تعهد است. از طرفی زمان ارزش اقتصادی دارد و هزینه‌ای است که جهات مختلفی را شامل می‌شود (محقق داماد، تفرشی و شعاربان ستاری، ۱۳۸۱: ش ۱۸۳-۱۸۴/۲۱۰؛ علی‌آبادی، ۱۳۸۱: ۳۰۴). زمان اجرای تعهد، موعدی است که دو طرف تعهد به صورت صریح یا ضمنی بر آن توافق کنند و در صورت سکوت نیز ممکن است با توجه به عرف و عادت یا طبیعت پیمان تعیین گردد (نوروزی شمس، ۱۳۷۵: ۳). اهمیت زمان اجرای تعهد با توجه به مقررات مربوط به عدم اجرای تعهد باید سنجیده شود. این مقررات عموماً به روز اجرا مربوط می‌باشد اما ممکن است زمان اجرا چنان اهمیتی داشته باشد که حتی راجع به ساعات اجرا نیز مقرراتی وضع شود (شعاربان ستاری و ترابی، ۱۳۸۹: ۲۶۴).

اجل در لغت به معنای زمان، سرآمد، گاه و هنگام است (انصاری و طاهری، ۱۳۸۶: ۹۰). این واژه در قرآن کریم نیز در موارد متعددی به کار رفته است، از جمله در آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدِينٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ وَلْيَكْتُب بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ...» (بقره/ ۲۸۲) که به معنای انتهای مدت التزام یا زمان ادای التزام است. در اصطلاح فقهی، اجل مدتی

مستقبل برای امری از امور است، خواه برای ایفای التزام یا انتهای آن معین شده باشد. این مدت می‌تواند به حکم شرع (اجل شرعی) یا توسط قاضی (اجل قضایی) و یا به اراده طرفین (اجل قراردادی) تعیین شود (عبدالرحمان، بی‌تا: ۶۶-۶۷).

در اصطلاح حقوقی، اجل مدت‌زمانی است که امکان مطالبه دین به تأخیر می‌افتد (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۱۲۲). اجل به عنوان اتفاق آینده و محتمل الوقوعی تعریف می‌شود که برای شناسایی آن، دو وصف اصلی لازم است؛ یکی وقوع در آینده و دیگری قطعی بودن وقوع. در تعریف اصطلاحی اجل می‌توان گفت که اجل عبارت است از مدت‌زمانی که امکان مطالبه دین را به تأخیر می‌اندازد. عموماً طلب را می‌توان بی‌درنگ مطالبه کرد مگر اینکه قانون یا قرارداد آن را به تأخیر انداخته باشد. بنابراین اجل را باید از عوارض و قیود تعهد به شمار آورد و به دنبال منبع و دلیل آن بود (رفیعی، ۱۳۸۳: ۱۹-۲۰/۴۳-۴۲).

از حیث منشأ، اجل به قراردادی، قانونی و قضایی تقسیم می‌شود. مهم‌ترین منشأ اجل، توافق طرفین است خواه اصل تعهد، قراردادی باشد یا قهری. عموماً اجرای تعهد از حیث زمان تابع قرارداد است اما گاه نیز اجل قراردادی ضمنی است؛ بدین معنا که گاهی طبیعت تعهد و چگونگی اجرای آن ایجاب می‌کند که اجرای تعهد مدتی به تأخیر افتد، مانند حمل کالا به یک کشور خارجی یا ساختن سد (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۲۲۶؛ بروجردی عبده، ۱۳۸۰: ۱۷۰-۱۷۴). ماده ۳۴۴ ق.م. نیز امکان به تأخیر افتادن اجرای تعهد را بنا به دلایلی مانند عرف محل یا تجارت، وجود شرط و... بیان کرده است. این امر از قواعد عمومی قراردادهاست (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۱۲۱؛ انصاری و طاهری، ۱۳۸۶: ۹۲/۱) که بنا بر سنت فقیهان در بیع آمده است (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰: ۲۸۷/۲؛ امامی خوانساری، بی‌تا: ۵۶۰-۵۶۶). در مواردی، قانون مدتی را برای پرداخت دیون در نظر می‌گیرد که آن را اجل قانونی گویند؛ مانند مدت‌زمانی که برای پرداخت اجرة المثل در ماده ۶ قانون روابط موجر و مستأجر (۱۳۵۶) تعیین شده یا مدت تعیین‌شده در ماده ۴ قانون روابط موجر و مستأجر (۱۳۶۲) (انصاری و طاهری، ۱۳۸۶: ۹۲/۱). در اجل قضایی، دادگاه مهلتی را برای وفای به عهد به مدیون می‌دهد؛ مانند مهلتی که به مستأجر محل مسکونی برای تخلیه داده می‌شد تا عسر و حرج او رفع گردد یا مهلتی که به زوج برای ادای مهریه

داده می‌شود. رعایت اجل قضایی، امری اختیاری است اما اجل قانونی و قراردادی، الزامی است (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۱۲۱-۱۲۲).

در فقه و حقوق، اجل از حیث ارتباط با موضوع تعهد نیز اهمیت فراوانی دارد؛ گاه موعد تعیین شده از سوی طرفین، دارای خصوصیتی است که انجام تعهد تنها در آن موعد مقصود طرفین است، در اینجا زمان به عنوان قید لحاظ شده و چون قید و مقید در عالم خارج با یک وجود تحقق می‌یابد، زمان و موضوع به صورت وحدت مطلوب در نظر گرفته می‌شود. بنابراین انجام تعهد خارج از موعد، موضوع تعهد نیست (طباطبایی حکیم، ۱۴۱۶: ۲۵/۱۲)، مانند آنکه شخصی تالار عروسی را برای شب خاصی که مراسم ازدواج وی در آن شب برگزار می‌گردد اجاره نماید و صاحب تالار نتواند در زمان تعیین شده تالار را آماده کند. اما در اغلب موارد، زمان و موضوع به صورت تعدد مطلوب مد نظر طرفین است (همان). در این فرض، زمان اجرای تعیین شده در ضمن عقد، چهره فرعی دارد و انجام تعهد در زمان مذکور و همچنین در زمانی غیر از موعد تعیین شده در عقد مطلوب است (امامی، ۱۳۵۶: ۲۳۸/۱؛ شهیدی، ۱۳۸۴: ۲۵).

## ۲. دیدگاه‌های مختلف در خصوص ماهیت اجرای تعهد

درباره اینکه «اجرای تعهد» نیازمند توافق دوطرفه متعهد و متعهدله است یا تنها به اراده متعهد تحقق می‌یابد و یا اینکه اصولاً اراده در آن نقشی ندارد، بین صاحب نظران اختلاف نظر است. منشأ این اختلاف، تردید در ماهیت قراردادی یا غیر قراردادی اجرا و چگونگی سقوط تعهد به وسیله آن است. اهمیت این موضوع از آن جهت است که بسته به ماهیت اجرای تعهد، آثاری متفاوت بر روابط طرفین اعمال می‌شود. اگر اجرا را عمل حقوقی بدانیم و متعهد به اشتباه یا به اکراه تعهد را ایفا کند، می‌تواند آن را بازپس گیرد یا در صورت اجرای زود هنگام تعهد، با امتناع متعهدله اجرا تحقق نمی‌یابد. نگاه تفصیلی به نظریات در نتیجه بحث مؤثر است:

### ۱-۲. عمل حقوقی

عمل حقوقی، نقطه مقابل واقعه حقوقی است و برای اعتبار آن به اراده فاعل آن نیاز

است. در حقیقت، عمل حقوقی بخشی از اعمال ارادی است که اثر آن‌ها با آنچه خواسته فاعل بوده، منطبق است، مانند عقود و ایقاعات (امامی، ۱۳۵۶: ۱۴/۴؛ شهبازی‌نیا و رزاقی، ۱۳۹۰: ش ۱۴۰/۳۴). برخی فقها و حقوق‌دانان اجرای تعهد را عمل حقوقی دانسته‌اند؛ به باور آن‌ها اجرای تعهد نیازمند توافق متعهد و متعهدله است و برای ایفا نیز همان شرط اصلی اعمال حقوقی، یعنی وجود اراده انجام‌دهنده ضروری است (شهیدی، ۱۳۷۰: ۲۱؛ بهرامی احمدی، ۱۳۸۳: ۲۱۸؛ نجفی، ۱۳۶۸: ۵۲۶/۸؛ ابن ادریس حلّی، ۱۴۱۰: ۳۲/۲). از آنجا که اعمال حقوقی می‌توانند یک‌جانبه (ایقاع) یا دوجانبه (عقد) باشند، طرف‌داران این نظریه نیز در مقام توجیه ماهیت آن به دو دسته تقسیم شده‌اند:

### ۱-۱-۲. عقد بودن

مطابق نظر مشهور در فرانسه، اجرای تعهد نهادی است که از یک واقعه مادی (اجرای مادی) و توافق بین طرفین تشکیل شده است البته این توافق بیشتر به صورت ضمنی است. توافق متعهد و متعهدله زیر پوشش اجرای مادی تعهد مخفی مانده و در صورتی که اختلافی در مورد درستی اجرا پیش نیاید، آشکار نمی‌گردد. در حقیقت، در این تراضی تسلیم موضوع تعهد به منزله ایجاب و تسلّم آن از طرف متعهدله به منزله قبول است (شهیدی، ۱۳۷۰: ۳۲؛ صفایی، ۱۳۸۶: ۲۳۵؛ کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۷/۴). برخی حقوق‌دانان مصری نیز از این نظریه پیروی کرده‌اند (سنهوری، ۱۳۸۸: ۶۸). این نظریه، دنباله‌رو باور فردگرایان اروپایی است که به پیروی از هابز و لاک تمایل داشتند همه روابط اجتماعی را در قالب قرارداد توجیه کنند و اراده فرد را بر همه این روابط حاکم بدانند. آن‌ها همچنین مبنای همه التزامات را تراضی می‌دانند (شفیعی علویجه، ۱۳۷۸: ۹۹؛ باقری، ۱۳۷۷: ش ۶۸/۶۳).

بر این نظریه انتقاداتی وارد شده است؛ نخست اینکه در قرارداد، اصل بر آزادی طرفین است، اما اجرای تعهد به حکم قانون است (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۷/۴). دوم آنکه سقوط تعهد، نتیجه مادی اجرای تعهد است و قصد انشا و اراده متعهد در ایجاد این اثر نقشی ندارد. بنابراین اگر بدون دخالت متعهد، متعهدله به موضوع تعهد دست یابد یا بدون اطلاع و اذن متعهد، ثالثی مورد تعهد را بپردازد متعهد بری‌الذمه می‌شود.

همچنین باید گفت که رضایت متعهدله نیز در اجرای تعهد تأثیری ندارد و چنانچه از قبول مورد تعهد امتناع ورزد، با تسلیم آن به حاکم تعهد ساقط خواهد شد (ماده ۲۷۳ ق.م.؛ جوانمردی، ۱۳۸۰: ش ۵۱/۴).

شایان ذکر است که برخی از طرف‌داران نظریه قرارداد بودن ماهیت اجرای تعهد معتقدند که در صورت امتناع متعهدله از پذیرش موضوع مورد تعهد، اجرای تعهد به نوعی ایقاع تبدیل می‌شود و ایفا تنها با اراده متعهد و از طریق ایداع مورد تعهد صورت می‌گیرد (سنه‌وری، ۱۳۸۸: ۱۹۲).

در حقوق ایران نیز برخی برای تأیید قرارداد بودن اجرای تعهد، به موادی از قانون مدنی که وجود اهلیت را شرط صحت ایفا می‌داند، استناد کرده‌اند (بروجردی عبده، ۱۳۸۰: ۶۷)، اما منتقدان این نظریه بر آن‌اند که این حکم چهره حمایتی دارد و از باب حفظ اموال محجوران است (جوانمردی، ۱۳۸۰: ش ۵۲/۴).

در فقه امامیه، صاحب جواهر نظریه بیع بودن اجرای تعهد را به شیخ طوسی نسبت داده است. در انتقاد به این نظریه گفته شده که در اجرا بر خلاف بیع، قصد انشا تحقق نمی‌یابد، همچنین بیشتر احکام راجع به بیع در آن صادق نیست؛ برای مثال در عقد بیع، علم به عوضین شرط است، ولی در وفای به عهد، متعهدله مال را از متعهد دریافت می‌کند بی‌آنکه از قیمت آن در روز قبض آگاه باشد (نجفی، ۱۳۶۸: ۵۲۶/۸؛ خوئینی، ۱۳۸۶: ۶۸).

## ۲-۱-۲. ایقاع بودن

بر خلاف نظریه قرارداد، برخی حقوق‌دانان به نظریه ایقاع بودن اجرای تعهد توجه کرده‌اند. آن‌ها اجرای تعهد را یک عمل حقوقی یک طرفه می‌دانند، بنابراین هر گاه متعهد به صورت ارادی مورد تعهد را به متعهدله تسلیم کند، اجرا تحقق می‌یابد، هر چند متعهدله قصد دریافت و قبول اجرای تعهد را نداشته باشد (شهیدی، ۱۳۷۰: ۳-۴؛ بهرامی احمدی، ۱۳۸۳: ۲۱۸). در تأیید این نظر چنین استدلال شده که متعهدله نمی‌تواند از دریافت موضوع تعهد خودداری کند، بنابراین اراده وی در اجرا تأثیری ندارد. از سوی دیگر، اجرای تعهد وظیفه‌ای است که قانون یا قرارداد بر عهده متعهد قرار داده است و در تحقق



انجام این وظیفه، ارادهٔ او مؤثر است و ارادهٔ دیگری نمی‌تواند دخالت داشته باشد. بنابراین اجرای تعهد، با تسلیم ارادی مورد تعهد به متعهدله تحقق می‌یابد (همان: ۳۳-۳۴)، اما ارادهٔ متعهدله در تحقق اجرا تأثیری ندارد. تنها در مواردی که موضوع تعهد با آنچه تأدیه شده متفاوت است یا انجام مورد تعهد با قید مباشرت متعهد بوده و شخص ثالثی ایفای آن را عهده‌دار گردد، رضایت متعهدله لازم است؛ چون در این موارد تبدیل تعهد صورت می‌گیرد (قاسمی، ۱۳۸۲: ۱۰۵).

برخی فقها نیز اجرای تعهد را ایقاع لازم دانسته‌اند و چنین توجیه کرده‌اند که ایقاع عملی است که ناشی از قصد یک نتیجه است و اجرای تعهد نیز عملی ارادی است که متعهد به قصد برائت ذمهٔ خویش انجام می‌دهد. از همین جهت است که آن‌ها نیت اجرای تعهد را هم بر متعهد واجب دانسته‌اند (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰: ۲/۳۲). برخی دیگر از فقها گفته‌اند در صورتی که تعهد مؤجل نباشد و متعهد در مقام اجرای تعهد برآید، از او پذیرفته می‌شود و به قبول متعهدله نیازی نیست و حتی بر او واجب است که موضوع تعهد را بپذیرد، اما در صورتی که تعهد مؤجل باشد، تنها پس از فرارسیدن موعد است که اجرای تعهد بدون نیاز به اعلام رضایت متعهدله پذیرفته است (اردبیلی، ۱۴۰۳: ۸/۳۳۴؛ کاشف‌الغطاء، ۱۴۲۴: ۱/۲۷۱-۲۷۲؛ مامقانی، ۱۳۵۰: ۲۰۷-۲۰۹).

نظریهٔ ایقاع نیز ایراداتی دارد؛ زیرا از یک سو دلیل قابل قبولی برای لزوم ارادهٔ متعهد در اجرای تعهد بیان نشده و در مقابل می‌دانیم که هر گاه متعهد به میل و ارادهٔ خود مبادرت به اجرای تعهد نکند، می‌توان با مراجعه به حاکم در اموال وی تصرف کرد و مورد تعهد را به قهر از او مطالبه نمود. از طرف دیگر، در مواردی متعهدله حق دارد از قبول اجرای تعهد امتناع کند و می‌تواند از پذیرش آنچه مصداق طلب او نیست، سر باز زند. بنابراین نمی‌توان منکر تأثیر ارادهٔ وی در این موارد شد. همچنین این اشکال، اینجا هم تکرار شده که اگر ارادهٔ دریافت‌کننده در اجرای تعهد لازم نیست پس چرا اهلیت او لازم است؟ در پاسخ گفته‌اند که لزوم اهلیت از باب حمایت از اموال و حقوق مالی اوست نه اینکه ارادهٔ او لازمهٔ تحقق اجرای تعهد باشد (جوانمردی، ۱۳۸۰: ش ۴/۵۳؛ شهبازی‌نیا و رزاقی، ۱۳۹۰: ش ۳۴/۱۴۳).

## ۲-۲. واقعه حقوقی

بر اساس این نظریه، اجرای تعهد واقعه‌ای حقوقی است؛ زیرا عملی است که متعهد باید طبق قانون و حکم شرع آن را انجام دهد. در فقه نیز برخی از فقها ایفا را عمل مادی صرف (واقعه حقوقی) می‌دانند. آن‌ها از ایفا به «عمل واجب» تعبیر کرده‌اند و معتقدند ایفا عملی است که متعهد باید طبق شرع انجام دهد، در نتیجه به قصد انشای او نیازی نیست؛ زیرا ویژگی اعمال واجب این است که اگر مکلف از انجام آن امتناع کند، قهراً به انجام آن ملزم می‌شود (کاشف‌الغطاء، ۱۳۵۹: ۸۴/۱؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۳۲۵/۱۸).

برخی در تأیید این نظریه به مواردی مانند عدم دخالت اهلیت و اراده در اجرای تعهد، امکان اجبار متعهد به اجرای تعهد اشاره نموده‌اند و نمونه آورده‌اند که تهاتر قهری، پرداخت ثالث بدون اطلاع متعهد و حتی تقاص جایگزین اجرای تعهد می‌شود (باقری، ۱۳۷۷: ش ۷۲-۷۱/۶۳؛ کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۱۰-۶/۴). برخی حقوق‌دانان مصری نیز معتقدند در موردی که اجرای تعهد، تسلیم عین معین باشد، احراز قصد متعهد لازم نیست و تسلیم عین یک عمل مادی (واقعه حقوقی) محسوب می‌شود (سنهوری، ۱۳۸۸: ۱۶۳).

به این نظریه نیز این گونه ایراد شده که بیشتر حالتی را در نظر می‌گیرد که یا اجرای تعهد به اجبار تحقق می‌یابد و یا متعهدله به قهر موضوع تعهد را استیفا می‌کند، اما در فرضی که اجرای تعهد با اختیار صورت می‌گیرد و متعهدله نیز به آن رضایت می‌دهد، دو اراده رخ می‌نماید که نادیده گرفتن آن و روی آوردن به نظریه واقعه حقوقی روا نیست (شهبازی‌نیا و رزاقی، ۱۳۹۰: ش ۱۶۵/۳۴).

## ۲-۳. نظریه تفصیلی

همان طور که گذشت، به نظریه فوق ایراداتی وارد بود، بنابراین با بررسی آرای مختلف به نظر می‌رسد که اجرای تعهد را نباید به طور مطلق ایقاع یا عقد یا واقعه حقوقی دانست، بلکه در مواردی که موجب تملیک یا انتقال حق یا تسلیم عین به متعهدله می‌شود، باید آن را یک عمل حقوقی دوسویه دانست که اراده هر دو طرف در تحقق آن لازم است و هنگامی که مورد تعهد انجام کاری توسط متعهد یا خودداری از آن باشد، باید آن را ایقاع به شمار آورد. به عبارت دیگر در این فرض، وفای به عهد اجرای

ارادی مورد تعهد توسط متعهد است که خود یک قرارداد نیست بلکه نتیجه یک قرارداد است، بنابراین به توافق طرفین نیاز ندارد. اگر مستأجر عین مستأجره را پس از انقضای اجاره به موجر رد کند و او نیز آن را بپذیرد، این تسلیم و تسلّم در واقع ایجاب و قبولی است که توسط طرفین عقد اجاره صورت می‌گیرد. در تسلیم مورد وکالت نیز همین است، اما در صورتی که شخص در ضمن قراردادی متعهد شود که مدت‌زمانی معین بر کاری مثلاً احداث آزمایشگاهی نظارت کند یا از ساخت خودرو بدون در نظر گرفتن مقررات زیست‌محیطی اجتناب کند، اجرای تعهد از ناحیه او زمانی واقع می‌شود که انجام یا ترک مورد تعهد را اراده کند، بی‌آنکه اراده انشایی متعهدله در تحقق آن تأثیری داشته باشد (خوئینی، ۱۳۸۶: ۶۶). با این توضیح به نظر می‌رسد که می‌توان بر این نظر صحه گذاشت که اصل را بر آن قرار داده که اجرای تعهد به اراده انشایی طرفین تعهد نیازی ندارد و یک واقعه حقوقی است؛ چون با نفوذ عقد خودبه‌خود محقق شده و تعهد انجام می‌گردد، اما اگر وفای به عهد نیازمند انجام عمل حقوقی دیگری باشد، در این صورت ماهیت آن به عمل حقوقی همراه آن بستگی دارد؛ اگر عمل حقوقی انجام‌شده در جهت اجرای تعهد به تراضی نیاز داشته باشد مثل تسلیم کلی، وفای به عهد، عقد است و چنانچه تنها با یک اراده انجام شود مانند تسلیم عین معین، ایقاع است. در غیر این موارد، اگر هیچ اراده‌ای در تحقق آن تأثیر نداشته باشد و به حکم قانون صورت گیرد، واقعه حقوقی است، مانند تسلیم مورد ودیعه به صاحب آن (محمدی بصیر، ۱۳۸۹: ۱۹؛ رودجانی، ۱۳۸۷: ۵۵؛ حاتمی و مسعودی، ۱۳۸۶: ش ۸۰/۱۹).

### ۳. دیدگاه‌های فقهی و حقوقی در زمینه اجرای زود هنگام تعهد

#### ۳-۱. جایز نبودن اجرای زود هنگام

برخی حقوق‌دانان (شعاریان ستاری و قربان‌زاده، ۱۳۹۲: ۷۶) و مشهور فقها بر این عقیده‌اند که مشتری نمی‌تواند قبل از سررسید ثمن را پرداخت کند؛ چرا که در عقد، اجل به سود هر دو طرف است (عاملی، ۱۴۱۲: ۳۳۳/۱؛ حسینی روحانی قمی، ۱۴۲۹: ۴۶۵/۶؛ همو، ۱۴۱۲: ۴۲۰/۱۲؛ غروی اصفهانی، ۱۴۱۸: ۳۴۱/۵). هرچند در فقه این حکم درباره پرداخت ثمن

است، از آنجا که در پرداخت ثمن خصوصیتی نیست، در تسلیم مبیع نیز همین حکم جاری است. بنابراین در بیع نسیه اگر خریدار زودتر از موعد ثمن را بپردازد، فروشنده به گرفتن آن اجبار نمی‌شود. حتی برخی فقها در خصوص عدم وجوب قبول اجرای قبل از موعد، ادعای اجماع کرده‌اند (طباطبایی حائری، بی تا: ۵۳۱/۱).

در تقویت این نظر استدلال‌هایی متفاوت ابراز شده است؛ برخی بیان داشته‌اند که چون شرط اجل، ضمن عقد لازم است رعایت آن بر هر دو طرف واجب است (عاملی کرکی، ۱۴۱۴: ۴۱). در حقیقت ایشان تأجیل را سبب ایجاد حق برای طرفین می‌دانند اما این حق، معلق بر ورود زمان خاص خود است، لذا همان طور که متعهد را نمی‌توان به انجام تعهد قبل از سررسید اجبار کرد، متعهدله را نیز نمی‌توان ملزم کرد که قبل از موعد، مورد تعهد را قبول کند. از این رو ایشان اسقاط حق را جز با تراضی صحیح نمی‌دانند (آل عصفور بحرانی، ۱۴۰۵: ۱۳۱/۱۹؛ عراقی، ۱۴۱۴: ۳۶۵/۵؛ طباطبایی قمی، ۱۴۲۶: ۱۶۴/۸؛ موسوی خمینی، بی تا: ۵۳۵/۱). اما به این نظر می‌توان انتقاد کرد که قرار گرفتن شرط ضمن یک عقد لازم، بدین معنا نیست که اسقاط‌پذیر نباشد، بلکه صاحب حق می‌تواند از آن بگذرد (نجفی، ۱۴۰۴: ۱۱۵/۲۳)، همان گونه که شرط خیار وضع شده در ضمن عقد لازم، بعد از عقد توسط مشروط‌له اسقاط‌پذیر است. این امر در ماده ۲۴۴ ق.م. نیز بیان شده است (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۳۲۶).

برخی معتقدند که با پرداخت زودتر از موعد در حقیقت زیادتی در مال متعهدله حاصل می‌شود که پذیرش آن مستلزم منت است و او می‌تواند این را نپذیرد، لذا تملک مقدار اضافی جز با قبول متعهدله امکان‌پذیر نیست (حسینی روحانی قمی، ۱۴۲۹: ۴۶۸/۶؛ همو، ۱۴۱۲: ۱۷/۴۲۰-۴۲۲؛ حلی، ۱۴۱۴: ۲۳-۲۲/۱۳). در نقد این نظر می‌توان گفت که اجرای پیش از موعد، همواره امتنان بر طلبکار محسوب نمی‌شود. گاه ممکن است مدیون برای رهایی زودتر از بار تعهد، اقدام به ایفای قبل از موعد نماید و پذیرش اجرای زودهنگام، منتی از جانب طلبکار بر بدهکار تلقی می‌شود (طباطبایی یزدی، ۱۴۲۱: ۱۷۸/۲). بعضی هم خریدار را در قبول اجرای زودهنگام مختار می‌دانند، خواه مال را قبض کرده باشد و خواه قبض نکرده باشد (مفید، ۱۴۱۳: ۵۹۵؛ ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰: ۲۸۸/۲؛ عاملی جبعی، ۱۴۱۲: ۳۳۴/۱).

بر اساس فقه اهل سنت نیز در عقد کتابت، شخص مجبور به پذیرش انجام کتابت و آزادی عبد قبل از موعده نیست؛ زیرا تا زمان مشخص شده، مکاتب در ملک اوست و او بر آن حق دارد و جز با رضایت او آزاد نخواهد شد (مقدس و الخرقی، بی تا: ۴۲۶/۹).

### ۲-۳. جواز اجرای زود هنگام

#### ۱-۲-۳. پذیرش مطلق امکان اجرای زود هنگام

برخی فقها و حقوق دانان اجرای زود هنگام را بی اشکال می دانند و معتقدند که متعهدله نمی تواند مانع آن شود، مگر اینکه نفع مشروعی در اجرای تعهد سر وعده مشخص داشته باشد. اینان استدلال می کنند که اولاً دلیلی بر منع وجود ندارد و ثانیاً در کلیه تعهدات هدف نهایی متعهدله رسیدن به مورد تعهد است و با انجام زود هنگام تعهد نیز این نتیجه حاصل می شود. لذا آن ها متعهدله را ملزم به قبول مورد تعهد حتی قبل از زمان مقرر می دانند (حسینی سیستانی، ۱۴۱۷: ۶۷/۲؛ تبریزی، ۱۴۲۶: ۵۲/۲؛ موسوی خویی، ۱۴۱۰: ۴۸/۲؛ بصری بحرانی، ۱۴۱۶: ۶/۶).

در حقوق ایران، نصی در این رابطه در قانون وجود ندارد، اما برخی از نویسندگان اظهار داشته اند که در تعهدات مدت دار، این حق برای متعهد وجود دارد که به شرط ضرر نداشتن برای متعهدله، تعهد را زودتر از موعد اجرا نماید (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۲: ۶۴/۱؛ احمدی جشفقانی، ۱۳۷۵: ۲۸۷؛ شهیدی، ۱۳۷۰: ۳۴).

در تأیید این نظریه می توان به رأی شعبه سوم دیوان عالی کشور به شماره ۹۶۱-۱۸/۵/۲۶ اشاره کرد که بیان می دارد: «پرداخت دین، قبل از موعد هم ممکن است» (متین، بی تا: ۱۱۸). در حقوق سوئیس، به صراحت بند ۱ ماده ۸۱ قانون تعهدات مقرر می کند:

متعهد می تواند تعهد خود را قبل از حال شدن آن انجام دهد مگر اینکه اراده مخالف طرفین در این مورد از شروط قرارداد یا طبیعت آن و یا از اوضاع و احوال برآید (واحدی، ۱۳۷۸: ۳۳۳-۳۳۴).

#### ۲-۲-۳. تفصیل در امکان اجرای زود هنگام

برخی از نویسندگان جواز اجرای زود هنگام را مطلق نمی دانند؛ زیرا هر چند اغلب تسلیم

پیش از موعد به نفع متعهدله است، گاه ممکن است قبل از سررسید، متعهدله آماده پذیرش مورد تعهد نباشد (کیایی، ۱۳۷۶: ۱۷۵). بنابراین، پذیرش اجرای زود هنگام بستگی به ماهیت شرط اجرای تعهد دارد.

بر اساس ماده ۲۴۴ قانون مدنی ایران، هر شرطی از سوی ذی نفع آن اسقاط پذیر است، بسته به اینکه ذی نفع اجل چه کسی است، جواز یا عدم جواز اجرای زود هنگام نیز متغیر خواهد بود. قاعده مستتب از این ماده می تواند این باشد که اگر اجل به نفع متعهد باشد، با اسقاط شرط می تواند مبادرت به اجرای زود هنگام نماید و اگر اجل به نفع متعهدله باشد، وی می تواند با انصراف از شرط، قبل از موعد تعهد را مطالبه کند، اما در صورتی که اجل به نفع هر دو طرف باشد جز با تراضی اسقاط پذیر نیست. در این حالت، متعهد می تواند شرط اجل را ساقط کند ولی با این کار، متعهدله حق فعلی نسبت به مطالبه پیدا نمی کند (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۱۲۹).

گاه از توافق طرفین یا اوضاع و احوال می توان پی برد که ذی نفع اجل کیست. در این صورت با صرف نظر کردن ذی نفع، حق وی بر اجل ساقط می شود. در برخی موارد نیز واضح است که طرفین هر دو باید رعایت زمان انجام تعهد را بکنند؛ برای نمونه وقتی بلیت مسافرت با هواپیما، قطار، کشتی و... تهیه شد، نه مسافر می تواند قبل از فرارسیدن زمان اجرای تعهد، اجرای آن را بخواهد و نه شرکت مسافربری حق دارد قبلاً در مقام اجرای تعهد برآید. کفالت مؤجل نیز از این قبیل است (شهیدی، ۱۳۸۵: ۳۵). در این گونه موارد اوضاع و احوال مختص تعهد، در حل مسئله کارساز است و مشکلی به وجود نمی آید، اما در مواردی که نمی توان ذی نفع اجل را مشخص کرد، اختلاف نظر وجود دارد:

گروهی از فقها، اجماع ادعا شده بر ممکن نبودن اجرای زود هنگام را رد کرده و بیان داشته اند که بسته به اینکه در مقام ثبوت، شرط به نفع چه کسی باشد، وظیفه طرف مقابل در پذیرش اجرای تعهد قبل از موعد متفاوت خواهد بود (خوانساری، ۱۴۰۵: ۱۸۷/۳؛ موسوی خویی، ۱۴۱۰: ۴۸/۲).

برخی فقها این بحث را در باب قرض مطرح کرده اند، اما می توان آن را به سایر عقود و تعهدات نیز تعمیم داد. در این مورد سه حالت تصور می شود:

۱. اگر شرط اجل به نفع متعهد باشد، بدین معنا که تأخیر در پرداخت تنها حق وی باشد، مانند عقد قرض که بدون بهره است، متعهدله نمی‌تواند وی را ملزم به اجرای قبل از موعد نماید اما متعهد خود می‌تواند مبادرت به اجرای تعهد قبل از موعد نماید و بر مقرض قبول آن واجب است. با این بیان متنی نیز بر دوش متعهدله قرار نمی‌گیرد؛ زیرا هدف متعهد از اجرا، تنها رساندن مال متعهدله به وی است.

۲. در صورتی که شرط تنها به نفع متعهدله باشد، مانند اینکه وی به دلیل ناتوانی در حفظ کالا، مبادرت به تعیین اجل در ضمن عقد نموده باشد، متعهدله در پذیرش اجرای قبل از موعد مختار خواهد بود. اما اگر وی از متعهد، مورد تعهد را قبل از سررسید مطالبه نماید بر وی واجب است که آن را ادا کند، مانند عقد ودیعه بدون اجرت.

۳. در صورتی که شرط به نفع هر دو طرف باشد، نه متعهدله می‌تواند قبل از موعد مطالبه نماید و نه متعهد می‌تواند مبادرت به اجرای زود هنگام کند. در صورتی که وی مبادرت به ادای تعهد قبل از سررسید اجل نماید، بر متعهدله قبول آن واجب نیست.

ایشان بیان داشته‌اند که از اطلاق شرط اجل، حالت اول یعنی شرط به نفع متعهد فهمیده می‌شود و حالت دوم با توجه به ظاهر اشتراط، از بعیدترین حالات است که نیاز به قرینه و توجه خاص دارد (طباطبایی حکیم، ۱۴۱۵: ۲۰۲/۲-۲۰۳؛ موسوی خویی، بی‌تا: ۵۶۵/۷). برخی حقوق‌دانان نیز بر این باورند که در اصل، اجرای قبل از موعد نشانهٔ حُسن نیت متعهد است و شرط اجل به نفع متعهد تفسیر می‌شود تا بتواند هنگامی که موعد فرا نرسیده است، از اجرای تعهد خودداری نماید (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۱۳۸-۱۳۹)، برای مثال در بیع، تعیین مهلت برای تسلیم، حقی است که بائع از آن برخوردار است و می‌تواند بر اساس آن انجام تعهد خود را تا اجل معهود به تعویق اندازد، اما او می‌تواند با اسقاط این حق، تعهد خود را پیش از موعد مقرر انجام دهد. حال اگر تعهد به نحو صحیح و کامل انجام نشده باشد، همچنان تا موعد مقرر حق تکمیل ایفای تعهد را مطابق قرارداد دارد (ناظم، ۱۳۸۸: ش ۹۰/۹۸-۹۱). آن‌ها همچنین پذیرفته‌اند که در غالب تعهدات، عرف و عادت نشان می‌دهد که زمان اجرای تعهد مذکور در عقد، فقط متعهدله را مقید می‌کند تا او قبل از سررسید حق مطالبه نداشته باشد، اما اجرای

زود هنگام را همواره نمی‌توان نشانهٔ حُسن نیت فرض کرد؛ زیرا مواردی نیز وجود دارد که اجرای قبل از موعد تعهد، نقض قرارداد تلقی می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۱۵۱/۴). در صورتی که اجرای پیش از موعد، موجب ضرر متعهدله گردد، متعهد مسئول بوده و ملزم به جبران خسارات وارده به طرف مقابل است (نوروزی شمس، ۱۳۷۵: ۱۴۰-۱۴۳)، برای مثال اگر پرداخت برات قبل از موعد صورت گیرد و دارندهٔ قانونی، سر موعد مراجعه کند، برات گیر باید یک بار دیگر وجه برات را پرداخت کند. برات‌گیری که قبل از سررسید پرداخت می‌کند، آن را به مسئولیت خود انجام می‌دهد (اسکینی، ۱۳۷۶: ۱۳۰/۴؛ ستوده تهرانی، ۱۳۹۰: ۸۵/۳). در صورت بروز اختلاف در اینکه ذی‌نفع اجل، متعهد است یا متعهدله، تشخیص با دادگاه است (جلیل‌زاده خوبی، ۱۳۵۴: ۶۹-۶۸).

برای تقویت این نظریه می‌توان چنین استدلال نمود که متعهدله به عنوان یکی از طرفین قرارداد مکلف است که شرایط لازم را برای اجرای قرارداد فراهم نماید، اما این تکلیف در مواردی ضمانت اجرای قانونی دارد که تعهد به نحو کامل و مطابق با قرارداد صورت گیرد. اجرای زود هنگام تعهد یکی از مصادیق اجرای ناقص و جزئی قرارداد است و تنها با شرایطی امکان الزام متعهدله به پذیرش موضوع تعهد وجود دارد. چنانچه متعهد قبل از موعد مبادرت به اجرای تعهد نماید، در فرضی که اجل تنها به سود متعهد باشد امکان الزام متعهدله وجود دارد (اسکردی، ۱۳۸۹: ۳۱).

در فقه امامیه آمده است که تا قبل از فرا رسیدن اجل، متعهد تعهدی به اجرای تعهدش ندارد، بنابراین الزام وی به اجرای تعهد امکان‌پذیر نمی‌باشد (عاملی، ۱۴۱۳: ۲۲۵/۳؛ طرابلسی و طوسی، ۱۴۱۱: ۷۰)؛ زیرا وجود اجل، حقی برای مدیون و ارفاقی به حال او برای تأخیر در اجرای تعهدش است. در نتیجه متعهد می‌تواند به اختیار از حَقش بگذرد و به ایفای تعهد قبل از سررسید اقدام کند. بنابراین در مواردی که اجل، تنها به نفع متعهد شرط شده است متعهدله تکلیف شرعی به پذیرش موضوع تعهد دارد؛ زیرا در این حالت اجل یک اعتبار برای متعهد به شمار می‌آید و وی می‌تواند از این امتیاز صرف نظر کند (اسکردی، ۱۳۸۹: ۸۸-۸۹).

برخی فقها نیز معتقدند که اجرای زود هنگام تعهد از سوی متعهد به منزلهٔ ابراء است که ایقاع لازم و بسته به ارادهٔ متعهد است (حلی، ۱۴۱۴: ۲۳-۲۲/۱۳). در تأیید این نظر، گفته



شده که عدم تکلیف متعهدله و امتناع او مستلزم بقای اشتغال ذمه مدیون خواهد بود که با توجه به حدیث لاضرر نمی‌توان چنین زیانی را متوجه متعهد نمود. برخی برای مستدل کردن این حق، به اصل «تفسیر قرارداد به ضرر متعهدله و به نفع متعهد» استناد کرده‌اند و معتقدند که مطابق این اصل، چنانچه متعهدله را مکلف به پذیرش موضوع تعهد قبل از موعد ندانیم، سبب ضرر متعهد شده‌ایم و این خلاف اصل است (ریاحی، ۱۳۷۱: ۲۳).

در مواردی که زمان و موعد اجرای تعهد به نظر متعهدله واگذار شده و متعهد با درخواست متعهدله ملزم به اجرا می‌شود، انجام تعهد از سوی متعهد بستگی به اراده متعهدله دارد یا در مواردی که اجل به نفع متعهدله یا هر دو طرف قرارداد شرط شده باشد، متعهد نمی‌تواند مبادرت به اجرای زودهنگام تعهد نماید؛ برای مثال اگر متعهد، به تحویل ۱۰۰ کیلو برنج در تاریخ ۱۵ مهرماه تعهد داده باشد و متعهدله در همان تاریخ مکانی مناسب برای انبار کردن برنج‌ها داشته باشد، اجرای تعهد در همان تاریخ برای متعهدله نیز دارای منفعت است و متعهد نمی‌تواند بدون رضایت وی مبادرت به اجرای قبل از موعد نماید. در این فرض، شرط امتیازی برای متعهدله نیز محسوب می‌شود و تنها او می‌تواند از این حق صرف‌نظر کرده و اجرای قبل از موعد را از متعهد مطالبه کند یا در صورت اجرای زودهنگام تعهد از سوی متعهد می‌تواند با صرف‌نظر کردن از این حق موضوع تعهد را قبول نماید، اما امکان الزام وی به قبول یا مراجعه به حاکم وجود ندارد (اسکردی، ۱۳۸۹: ۸۷-۹۱). همچنین با تردید در تکلیف واقعی از لحاظ حرمت یا وجوب، اصل برائت جاری می‌شود و بنابراین تکلیف از دوش مورد تردید برداشته می‌شود و همواره اصل، برائت از تکلیف است تا زمانی که وجود آن ثابت شود (محقق داماد، ۱۳۸۳: ۶۷/۳). بنابراین از این حیث که ذی‌نفع اجل چه کسی باشد، تکلیف متعهدله به پذیرش یا عدم پذیرش مورد تعهد نیز متفاوت خواهد بود و این امر در پذیرش اجرای زودهنگام یا عدم پذیرش آن نیز مؤثر است.

با دلایلی که بیان شد، دیدگاه تفصیلی در جایی که زمان به صورت شرط لحاظ شود، صحیح به نظر می‌رسد و این ایراد که پیش از موعد، ایجاد حق صورت نگرفته است تا ادا شود، روا نیست؛ زیرا در جای خود گفته شده که در تعهدات «معلق»، زمان شرط

«وجوب» نیست بلکه شرط «واجب» است (محمدی، ۱۳۸۶: ۵۵) بدین معنا که حق، پیش از موعد وجود دارد اما زمان آن هنوز نرسیده است، بر خلاف تعهدات «مشروط» که پیش از موعد، تعهدی وجود ندارد. از این رو تعهدی که پیش از موعد انجام می‌شود می‌تواند در مسیر استحقاق و اداکننده حق باشد.

اما در قراردادهایی که موعد انجام تعهد، قید موضوع تعهد باشد و زمان اجرا و موضوع تعهد، امر واحدی محسوب شوند، متعهد نمی‌تواند قبل از موعد، تعهدش را اجرا نماید؛ زیرا انجام تعهد در زمانی غیر از زمان مقرر در قرارداد در واقع امری خارج از موضوع تعهد است. در حقیقت، این نظریه تنها در مواردی کاربرد دارد که زمان شرط تعهد باشد.

بر خلاف حقوق ایران، این نظریه در حقوق کشورهای غربی و عربی مانند هلند (ماده ۳۹-۶) و فرانسه (ماده ۱۱۸۷) و لبنان (الکسوانی، ۱۴۳۱: ۲۱۵؛ السلطان، ۱۹۷۴: ۲۴۰-۲۴۱) طرف‌داران زیادی دارد و حتی در قوانین این کشورها موادی نیز به این بحث اختصاص داده شده است (برای نمونه ر.ک: قانون مدنی لبنان، مواد ۱۰۹، ۱۱۰ و ۱۱۲؛ همچنین ر.ک: Busch, 2002: 296-297). در فرانسه این بحث تحت عنوان «اسقاط اجل» آمده است. از آنجا که در این نظام حقوقی، اجل از سوی ذی‌نفع اسقاط‌پذیر است، طبق ماده ۱۱۸۷ ق.م. فرانسه اگر برای اجرای تعهد اجلی معین شده باشد، فرض می‌شود که این اجل به نفع متعهد است. اما این اماره مطلق نیست و خلاف آن نیز قابل اثبات است. بنابراین اگر ثابت نشود که اجل به نفع متعهدله یا به نفع هر دو طرف نیست، از سوی متعهد، اسقاط‌پذیر است و تسلیم قبل از سررسید جایز بوده و متعهدله ملزم به قبول آن است. بند ۲ ماده ۳۹-۶ ق.م. هلند نیز مقرر می‌کند: پرداخت قبل از سررسید، عدم پرداخت محسوب نمی‌شود و صحیح است.

در حقوق هلند قاعده اصلی این است که شرط راجع به زمان اجرای تعهد، به سود بدهکار در نظر گرفته شده است. بنابراین طلبکار نمی‌تواند قبل از موعد، تقاضای اجرای تعهد را بنماید یا از پذیرش اجرای قبل از موعد امتناع ورزد. طلبکار تنها در صورتی حق دارد اجرای قبل از موعد را رد نماید که شرط اجل به نفع او هم باشد. اگر

شرط راجع به زمان اجرا فقط به نفع طلبکار باشد، او حق دارد قبل از زمان مقرر، از متعهد تقاضای اجرای قبل از موعد را بنماید. در برخی نظام‌های حقوقی، خاتمه زودتر از موعد قرارداد یا به عبارت دیگر اجرای زود هنگام، در صورتی که نقض اساسی به شمار آید، به متعهدله حق فسخ قرارداد را می‌دهد (2: 2012, Ganglmair).

## نتیجه‌گیری

در خصوص ماهیت اجرا نظرات متفاوتی بیان شد که از مجموع نظرات مطرح شده چنین استنباط می‌شود که نمی‌توان ماهیت یکسانی برای اجرای تعهد در نظر گرفت؛ بلکه بسته به موضوع تعهد، ماهیت اجرا نیز متفاوت خواهد بود. در واقع، هر جا اجرای تعهد نیازمند توافق دو اراده باشد، عمل واقع شده عقد است و هر جا نیازمند یک اراده باشد ایقاع بوده و در مواردی که هیچ اراده‌ای در آن دخیل نباشد، واقعه حقوقی است. درباره اجرای زود هنگام نیز نظرات متفاوتی بیان گردید. نظر مشهور فقهای امامیه و برخی اهل سنت، عدم پذیرش اجرای زود هنگام تعهد است. در مقابل، گروهی از فقها بر این عقیده‌اند که اجرای قبل از موعد بی‌اشکال است و متعهدله نمی‌تواند مانع چنین اجرایی شود. ایشان ذی‌نفع بودن متعهد در اجل را مفروض پنداشته‌اند، بنابراین متعهدله تنها با اثبات خلاف این فرض می‌تواند از پذیرش اجرای زود هنگام امتناع ورزد. اما به نظر می‌رسد این نظرات نمی‌توانند در همه حالت‌ها حقوق هر دو طرف قرارداد را تأمین کنند، از این رو بهتر است موضوع پذیرش اجرای پیش از موعد، با ملاحظه ماهیت توافق بر زمان اجرای تعهد در نظر گرفته شود. بدین معنا که اگر زمان به صورت شرط لحاظ شود، حکم اجرای زود هنگام بسته به اینکه اجل به سود متعهد باشد یا متعهدله، متفاوت خواهد بود. اگر اجل تنها به سود متعهد باشد، وی می‌تواند از این شرط صرف نظر کرده و تعهد خود را زودتر به انجام برساند، اما اگر اجل به نفع متعهدله یا هر دو طرف باشد، متعهد حق انصراف از اجل را ندارد و ایفای زود هنگام تعهد، وی را بری‌الذمه نمی‌کند. گاه از توافق طرفین یا اوضاع و احوال می‌توان تشخیص داد که اجل به نفع کدام یک از طرفین است که در این صورت مشکلی در اجرا یا عدم اجرای زود هنگام پیش نمی‌آید، اما در مواردی که به روشنی نمی‌توان مشخص کرد که اجل

به سود چه کسی است، باید اصل را بر تفسیر به سود متعهد گذاشت که با استصحاب  
عدمی موافق است. بنابراین در این فرض متعهد می‌تواند تعهد خویش را زودتر از موعد  
ایفا کند. چنانچه زمان، قید موضوع تعهد باشد اجرای زود هنگام، اجرای غیر مطابق  
تلقی می‌گردد و پذیرفته نمی‌شود.

۱۶۶

Archive of SID

## کتاب‌شناسی

۱. آل عصفور بحرانی، یوسف بن احمد، *الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۵ ق.
۲. ابن ادریس حلی، محمد بن منصور، *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۳. احمدی جشفقانی، حسین علی، *اجرای تعهد قراردادی*، تهران، برهمند، تهران، ۱۳۷۵ ش.
۴. اردبیلی، احمد بن محمد، *مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳ ق.
۵. اسکردی، ماریا، *تکلیف متعهده به پذیرش موضوع تعهد*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز (واحد بین‌الملل)، ۱۳۸۹ ش.
۶. اسکینی، ربیعا، *حقوق تجارت (برات)*، سفته، قبض انبار، اسناد در وجه حامل و چک، چاپ سوم، تهران، سمت، ۱۳۷۶ ش.
۷. امامی خوانساری، محمد، *الحاشیة الثانية علی المکاسب*، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۸. امامی، سیدحسن، *حقوق مدنی*، چاپ ششم، تهران، کتاب‌فروشی اسلامی، ۱۳۵۶ ش.
۹. انصاری، مسعود و محمدعلی طاهری، *دانش‌نامه حقوق خصوصی*، چاپ دوم، تهران، محراب فکر، ۱۳۸۶ ش.
۱۰. باقری، احمد، «وفای به عهد»، *مقالات و بررسی‌ها*، شماره ۶۳، تابستان ۱۳۷۷ ش.
۱۱. بروجردی عبده، محمد، *حقوق مدنی*، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۰ ش.
۱۲. بصری بحرانی، محمدامین زین‌الدین، *کلمة التقوی*، چاپ سوم، قم، سیدجواد وداعی، ۱۴۱۶ ق.
۱۳. بهرامی احمدی، حمید، *کلیات عقود و قراردادها*، چاپ دوم، تهران، میزان، ۱۳۸۳ ش.
۱۴. پاکدامن، رضا، *مدیریت قراردادهای بین‌المللی*، تهران، شرکت چاپ و نشر بازگانی، ۱۳۸۴ ش.
۱۵. تبریزی، جواد بن علی، *منهاج الصالحین*، قم، مجمع الامام المهدی علیه السلام، ۱۴۲۶ ق.
۱۶. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، *حقوق تعهدات*، چاپ سوم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۵ ش.
۱۷. همو، *دایرة المعارف حقوق مدنی و تجارت*، جلد اول، تهران، مشعل آزادی، ۱۳۷۲ ش.
۱۸. همو، *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۸ ش.
۱۹. جلیل‌زاده خوبی، حمید، *وفای به عهد*، پایان‌نامه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۵۴ ش.
۲۰. جوانمردی، ناهید، «ماهیت وفای به عهد و بررسی مصادیق آن در حقوق ایران»، پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۴، بهار و تابستان ۱۳۸۰ ش.
۲۱. حاتمی، علی اصغر و ندا مسعودی، «پرداخت ثالث و مقایسه آن با عقد ضمان و تبدیل تعهد»، *مجله دانشکده علوم انسانی دانشگاه سمنان*، سال ششم، شماره ۱۹، پاییز ۱۳۸۶ ش.
۲۲. حرّ عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه*، قم، آل‌البتیة علیهم السلام، ۱۴۰۹ ق.
۲۳. حسینی روحانی قمی، سیدصادق، *فقه الصادق علیه السلام*، قم، دارالکتاب - مدرسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۱۲ ق.
۲۴. همو، *منهاج الفقاهه*، چاپ پنجم، قم، انوار الهدی، ۱۴۲۹ ق.
۲۵. حسینی سیستانی، سیدعلی، *منهاج الصالحین*، چاپ پنجم، قم، دفتر حضرت آیه‌الله سیستانی، ۱۴۱۷ ق.
۲۶. حلبی، تقی‌الدین ابوالصلاح، *الکافی فی الفقه*، اصفهان، کتابخانه عمومی امام امیرالمؤمنین علیه السلام، ۱۴۰۳ ق.

۲۷. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، *تذکره الفقهاء*، قم، آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۴ ق.

۲۸. خوئی، غفور، *بررسی تطبیقی حقوق تعهدات*، تهران، فرهنگ صبا، ۱۳۸۶ ش.

۲۹. خوانساری، سیداحمد بن یوسف، *جامع المدارک فی شرح المختصر النافع*، چاپ دوم، قم، اسماعیلیان، ۱۴۰۵ ق.

۳۰. رفیعی، ندا، «ماهیت حقوقی شرط اجل در قراردادها کدام است؟»، *مجله وکالت*، شماره‌های ۱۹-۲۰، تیر ۱۳۸۳ ش.

۳۱. رودیجانی، محمدمجتبی، *مسئولیت قراردادی (ضمانت اجرای مفاد قرارداد)*، شیراز، کوشامهر، ۱۳۸۷ ش.

۳۲. ریاحی، نصرت‌الله، *غیر قابل اجرا شدن مورد تعهد*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۱ ش.

۳۳. ستوده تهرانی، حسن، *حقوق تجارت*، جلد سوم، چاپ بیستم، تهران، دادگستر، ۱۳۹۰ ش.

۳۴. السلطان، انور، *احکام الالتزام (الموجز فی النظرية العامة للالتزام)*، بیروت، دار النهضة العربیه، ۱۹۷۴ م.

۳۵. سنهوری، عبدالرازق، *دوره حقوق تعهدات (اوصاف تعهد - شرط و اجل)*، جلد سوم، ترجمه مهدی دادمزنی و محمدحسین دانش کیا، قم، دانشگاه قم، ۱۳۸۸ ش.

۳۶. شعاریان ستاری، ابراهیم و ابراهیم ترابی، *اصول حقوق قراردادهای اروپا و حقوق ایران (مطالعه تطبیقی)*، تبریز، فروزش، ۱۳۸۹ ش.

۳۷. شعاریان ستاری، ابراهیم و محمد قربان‌زاده، «مبانی حقوقی و فقهی اجرای پیش از موعد قرارداد با مطالعه تطبیقی در اسناد بین‌المللی»، *فصلنامه دانش حقوق مدنی*، سال دوم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۲ ش.

۳۸. شعبانی، قاسم، *تعیین خسارات در قراردادها و تعهدات*، تهران، اطلاعات، ۱۳۸۵ ش.

۳۹. شفیع علویجه، قاسم، *ایفای ناروا*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه تهران، ۱۳۷۸ ش.

۴۰. شهبازی‌نیا، مرتضی و کیانوش رزاقی، «مفهوم و ماهیت ایفا در حقوق ایران و فقه امامیه»، *پژوهش‌نامه حقوق اسلامی*، سال دوازدهم، شماره ۲ (پیاپی ۳۴)، پاییز و زمستان ۱۳۹۰ ش.

۴۱. شهیدی، مهدی، *اصول قراردادها و تعهدات*، جلد دوم، چاپ چهارم، تهران، مجد، ۱۳۸۵ ش.

۴۲. همو، *حقوق مدنی ۳ (تعهدات)*، چاپ هشتم، تهران، مجد، ۱۳۸۴ ش.

۴۳. همو، *سقوط تعهدات*، چاپ دوم، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۰ ش.

۴۴. صفایی، سیدحسین، *حقوق مدنی (قواعد عمومی قراردادها)*، جلد دوم، چاپ پنجم، تهران، میزان، ۱۳۸۶ ش.

۴۵. طباطبایی، سیدمحمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴ ش.

۴۶. طباطبایی حائری، سیدعلی بن محمد، *ریاض المسائل*، قم، آل البيت علیهم السلام، بی تا.

۴۷. طباطبایی حکیم، سیدمحسن، *مستمسک العروة الوثقی*، قم، دار التفسیر، ۱۴۱۶ ق.

۴۸. طباطبایی حکیم، سیدمحمدسعید، *منهاج الصالحین*، بیروت، دار الصفوه، ۱۴۱۵ ق.

۴۹. طباطبایی قمی، سیدتقی، *مبانی منهاج الصالحین*، قم، قلم الشرق، ۱۴۲۶ ق.

۵۰. طباطبایی یزدی، سیدمحمدکاظم، *حاشیه المکاسب (للیزدی)*، چاپ دوم، قم، اسماعیلیان، ۱۴۲۱ ق.

۵۱. طرابلسی، قاضی ابن بزّاج و محمد بن حسن طوسی، *جواهر الفقه*، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۱ ق.

۵۲. عاملی، زین‌الدین بن علی، *الروضه البهیه فی شرح اللمعة الدمشقیه*، قم، کتاب‌فروشی داوری، ۱۴۱۲ ق.
۵۳. همو، *مسالك الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام*، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۳ ق.
۵۴. عاملی کرکی، علی بن حسین، *جامع المقاصد فی شرح التواعد*، چاپ دوم، قم، آل‌البيت علیهم‌السلام، ۱۴۱۴ ق.
۵۵. عبدالرحمان، محمود، *معجم المصطلحات والالفاظ الفقهیة*، نرم‌افزار جامع فقه اهل بیت علیهم‌السلام، بی‌تا.
۵۶. عراقی، آقا ضیاء‌الدین، *شرح تبصرة المتعلمین*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۴ ق.
۵۷. علی‌آبادی، علی، *ایجاد و سقوط تعهدات ناشی از عقد در حقوق اسلامی*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۱ ش.
۵۸. عمید، حسن، *فرهنگ فارسی عمید*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۴ ش.
۵۹. غروی اصفهانی، محمدحسین، *حاشیه کتاب المکاسب*، قم، انوار الهدی، ۱۴۱۸ ق.
۶۰. قاسمی، محسن، *انتقال مالکیت در عقد بیع*، تهران، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، ۱۳۸۲ ش.
۶۱. قرائتی، محسن، *تفسیر نور*، چاپ یازدهم، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳ ش.
۶۲. کاتوزیان، ناصر، *حقوق مدنی (اعمال حقوقی)*، چاپ دوازدهم، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۶ ش.
۶۳. همو، *حقوق مدنی (قواعد عمومی قراردادها)*، جلد چهارم، چاپ چهارم، تهران، شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا، ۱۳۸۳ ش.
۶۴. همو، *حقوق مدنی (نظریه عمومی تعهدات)*، چاپ دوم، تهران، میزان، ۱۳۸۲ ش.
۶۵. کاشف‌الغطاء، عباس بن حسن، *منهل الغمام فی شرح شرائع الاسلام*، نجف اشرف، مؤسسه کاشف‌الغطاء، ۱۴۲۴ ق.
۶۶. کاشف‌الغطاء، محمدحسین، *تحریر المجله*، نجف اشرف، المكتبة المرتضویه، ۱۳۵۹ ق.
۶۷. الکسوانی، عامر محمود، *احکام الالتزام: آثار الحق فی القانون المدنی*، چاپ دوم، عمان، دار الثقافة، ۱۴۳۱ ق.
۶۸. کیایی، عبدالله، *التزامات بایع و مشتری قبل و بعد از تسلیم مورد معامله*، تهران، ققنوس، ۱۳۷۶ ش.
۶۹. مامقانی، ملاعبدالله، *نهایة المقال فی تکملة غایة الآمال*، قم، مجمع الذخائر الاسلامیه، ۱۳۵۰ ق.
۷۰. متین، احمد، *مجموعه رویه قضایی (شامل آرای شعب و هیئت‌های عمومی دیوان عالی کشور از سال ۱۳۱۱ تا ۱۳۳۵)*، تهران، چاپخانه هاشمی، بی‌تا.
۷۱. محقق حلّی، نجم‌الدین جعفر بن حسن، *نکت النهایه*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۲ ق.
۷۲. محقق داماد، سیدمصطفی، *مباحثی از اصول فقه (اصول عملیه و تعارض ادله)*، چاپ سوم، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۸۳ ش.
۷۳. محقق داماد، سیدمصطفی و محمدعیسی تفرشی و ابراهیم شعاریان ستاری، «وضعیت حقوقی تعهدات قراردادی مؤجل متوفی»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز*، شماره‌های ۱۸۳-۱۸۴، تابستان و پاییز ۱۳۸۱ ش.
۷۴. محمدی بصیر، فرهاد، *اجرای تعهدات در حقوق ایران و اصول حقوق قراردادهای اروپایی*، دانشگاه شیراز، ۱۳۸۹ ش.
۷۵. محمدی، ابوالحسن، *مبانی استنباط حقوق اسلامی*، چاپ بیست و نهم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۶ ش.

۷۶. مرتضوی، عبدالحمید، *حقوق تعهدات (تعهد به وسیله و به نتیجه)*، تهران، جنگل، ۱۳۸۹ ش.
۷۷. مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری بغدادی، *المقنعه*، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید رحمته الله علیه، ۱۴۱۳ ق.
۷۸. مقدسی، ابومحمد بن قدامه و ابوالقاسم عمر الخرقی، *المغنی لابن قدامه*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۷۹. مقدم، مقصود، *اجرای اجباری تعهدات ناشی از قرارداد در حقوق ایران با مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه*، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۷۷ ش.
۸۰. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ سی و ششم، ۱۳۸۷ ش.
۸۱. موسوی خمینی، سیدروح الله، *تحریر الوسیله*، قم، دار العلم، بی تا.
۸۲. موسوی خویی، سید ابوالقاسم، *منهاج الصالحین*، چاپ بیست و هشتم، قم، مدینه العلم، بی تا.
۸۳. ناظم، علی رضا، «تعهدات بایع در کنوانسیون بیع بین المللی کالا و حقوق ایران»، *ماهنامه کانون*، شماره ۹۸، آبان ۱۳۸۸ ش.
۸۴. نجفی، محمدحسن، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، چاپ هفتم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ ق. و چاپ نهم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۸ ش.
۸۵. نوروزی شمس، مشیت الله، *زمان اجرای قرارداد و تأثیر آن در مسئولیت قراردادی (مطالعه تطبیقی حقوق ایران و انگلیس)*، پایان نامه دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۵ ش.
۸۶. واحدی، جواد، *قانون تعهدات سوئیس*، تهران، میزان، ۱۳۷۸ ش.
87. Brown, W. J., *GCSE law*, 7<sup>th</sup> ed., London, Sweet & Maxwell, 1999.
88. Ganglmair, Bernhard, *Early Contract Termination, Performance - Contingent Contract Right and Specific Investment*, 2012, Available at: <<http://ssrn.com/abstract=9834>> .
89. Busch, Danny, *The Principle of European Contract Law and Dutch Law*, Kluwer Law International, New York, London, 2002.



## موجز المقالات

### دراسة في دلالة الآية الشريفة ﴿لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ﴾ على حرمة الإعانة على الإثم والعدوان

- سيف الله الأحدىّ (طالب بمرحلة الدكتوراه بفرع الفقه ومبادئ القانون الإسلامى)
- محمّد تقى الفخلعلى (أستاذ بجامعة فردوسى بمشهد)

هيهنا عدد هائل من الفقهاء والمفسرين الذين استدّلوا على حرمة الإعانة على الإثم والعدوان بالآية الشريفة ﴿تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ﴾، لكن عدد آخر منهم لم يسلّموا هذا الاستدلال وذلك بسبب وجود كلمة التعاون وتواجد القرينة على كون النهى فى هذه الآية تنزيهياً. والباحثون بعد تحليل ومعالجة أدلة كلّ من الطائفتين وبعد إنعام النظر فى رؤى اللغويين والمفسرين والفقهاء المسلمين فى هذا المجال، استنبطوا أنّ كلمتى التعاون والإعانة فى كثير من الموارد استعمالاً فى معنى واحد، كما أنّ تواصل بينهما ومقابلتهما فى الجملة الأخيرة من الآية الشريفة لا يصلح لأن يكونا قرينتين على دلالة النهى فى الآية على الكراهة. كما أنّ إعادة فعل التعاون فى الجملة الثانية وعدم الاقتصار على حرف «لا» تشعران على كون هاتين الجملتين مستقلتين،

فعلية بناءً على حكم العقل وتناسب الحكم والموضوع، دلالة الآية على حرمة الإعانة على الإثم والعدوان مسلمة دون أدنى ريب.  
المفردات الرئيسة: الحرمة، الإثم، العدوان، التعاون على الإثم.

## المسؤولية المدنية للمرضى المبتلين بالأمراض المعدية

□ علي رضا يزدانيان (أستاذ مشارك بجامعة إصفهان)

□ مريم التقفني (طالبة بمرحلة الدكتوراه بفرع القانون الخاص)

لا شك في أن الغرض من قانون المسؤولية المدنية الحماية عن الشخص الخاسر والمتضرر وتدارك خسارته وأضراره. ولكن في بعض الأحيان يكون الشخص المتضرر أيضاً سبباً لضرر الآخرين. فإن المريض المبتلى بالأمراض المعدية يعتبر مثلاً للمتضرر، شريطة نقل مرضه إلى الآخرين والإضرار بهم، وفي هذه الحالة عليه أن يجبر ويتدارك الخسارات الملحقة على الآخرين. لذلك علم الحقوق في هذه المجالات يفرض واجبات متعددة للمرضى الواعين عن مرضهم. فإنه من جملة هذه التكاليف والواجبات هي الالتزام بأمن الأشخاص الآخرين والتجنب عن الإضرار بهم، وكذلك إخبار وإعلان مرضهم إلى الآخرين الذين يتواجدون عندهم ويتعلقون بهم. وكذلك أعمال الإجراءات الاحتياطية من ناحية المريض. فإن الحماية والدعم عن سلامة الآخرين أمر هام جداً. وهذا يكون إلى حدّ بعض الأوقات مسؤولية نقل المرض تتعلق بالأمهات والجنين أيضاً. فعلى سبيل المثال، إهمال الأم في تحقيق الاحتياطات الطبية حين الحمل والتطعيم التي تحتاج إليها قبل الحمل، تعتبر من جملة أسباب مسؤوليتها. كما أن إهداء الدم من ناحية المريض الواعي عن مرضه يستلزم مسؤولية المهدى وفي هذا المجال، دافع الإحسان لا يوجب مصونته إطلاقاً. من جانب آخر، فإن مسؤولية نقل المرض لا يختص بالمرضى الواعين عن مرضهم بل يشمل المرضى الجاهلين بمرضهم أيضاً. والجدير بالذكر أنه يمكن إثبات مسؤولية المرضى المذكورين في الأخير عبر مبادئ كالاتلاف والتسبب.

المفردات الرئيسة: الأمراض المعدية، المريض، المسؤولية المدنية، الالتزام بالأمن، الحزم.

## دراسة مقارنة لحسن النية فى الفقه والحقوق الخارجيّة والوثائق الدوليّة

□ حسن السيمائى الصراف

□ عضو الهيئة التدريسيّة بجامعة الشهيد بهشتى

لا شكّ فى أنّه لا يوجد اتفاق بين النظم القانونيّة حول لزوم لحاظ حسن النية فى العقود كالالتزام عقديّ. فإنّه عند بعض النظم القانونيّة (وعلى الأغلب النظم القانونيّة الموضوعية) العمل والالتزام بحسن النية أمر ضرورىّ وهذا بأدلة عدّة كـ«الضرورة» و«المصلحة» و«العدالة» وبالعكس عدد آخر من النظم القانونيّة وهذه على الأغلب النظم القانونيّة العرفيّة، معوّلاً على «مبدأ حاكميّة الإرادة» و«مبدأ حتميّة العقد وقطعيّته» يرى أنّ عدم الالتزام بحسن النية لا يستتبع مسؤوليّة ملزمة، ولكن موقف الفقه الإسلامى فى هذا المجال غير واضح. مع أنّه يمكن الاستفادة عن بعض القواعد الفقهيّة لزوم الالتزام بحسن النية وفى موارد خاصّة، إلّا أنّه لا تساعدنا هذه الموارد على ضرب قاعدة عامّة وملزمة جدّاً. الدراسة الراهنة حاولت أن تبحث وتفحص عن جميع ظروف وإمكانيات جعل قاعدة فقهيّة خاصّة تحت عنوان لزوم العمل بحسن النية فى الحقوق. والجدير بالذكر، وبعد المقارنة النهائيّة، يبدو أنّ الفقه الإسلامى بما أنّه غير ملتزم بلزوم لحاظ حسن النية فى العقد كمبدأ عام وملزم، يشبه إلى حدّ بالغ بالنظم القانونيّة العرفيّة كنظام إنجلترا.

المفردات الرئيسيّة: حسن النية، القاعدة الفقهيّة - الحقوقيّة، الحقوق الموضوعيّة، الحقوق العرفيّة (كومن لا).

## دراسة الإشكالات الواردة على قاعدة انحلال عقد واحد إلى عقود عدّة

□ أحمد عارفى نيا (ماجستير بفرع القانون الخاصّ)

□ السيّد محمّد مهدى القبولى درافشان (أستاذ مشارك بجامعة فردوسى بمشهد)

□ سعيد المحسنى (أستاذ مشارك بجامعة فردوسى بمشهد)

من المعلوم أنّه على أساس قاعدة انحلال عقد واحد إلى عقود متعدّدة، العقد الذى وقع على مجموعة مركّبة، فإنّه بعض الأحيان ينحلّ إلى عقود عدّة كثيرة، وبالرغم من أنّه استند الفقهاء إلى هذه القاعدة فى الأبواب المختلفة الفقهيّة إلّا أنّه وردت إشكالات

وإيرادات عليها. وقد ارتأى الإمام الخميني في هذه القضية إضافة إلى ذكر عدد من الإشكالات حول قاعدة الانحلال، أن الحل الوحيد للخروج عن هذا المأذق ليس انحلال العقد كما يرى البعض، بل الأنسب والأحسن انحلال الآثار العرفية للعقد. الدراسة الحالية استهدفت أولاً، مناقشة الإشكالات الواردة حول قاعدة الانحلال والإجابة عليها وثانياً، تبيين وتحليل الاتجاه الخميني في هذه القضية، ثم في الأخير عرض شيء من الوفاق والوئام بين وجهة نظر المشهورة للفقهاء مع اتجاه الإمام الخميني. كما تجدر الإشارة إلى أنه بالرغم من تحليل الإمام الخميني الخاص واختلاف هذا التحليل المبني مع تحليل القائلين بقاعدة الانحلال، لكن في مقام العمل قد وصلا كلا التحليلين إلى آثار وثمرات مشابهة وهذا يوعز إلى أمر هام وهو الدور الأساس للعرف في الموارد التي تصح تجزئة العقد وانحلاله (عقدًا وآثارًا) في كلا الاتجاهين.

المفردات الرئيسية: قاعدة الانحلال، العقد، العرف، الإيرادات.

### لمحة سريعة إلى حقوق الزارع تجاه مالك الأرض

- محسن جهانگیری (أستاذ مساعد بالجامعة الرضوية للعلوم الإسلامية)
- محمد حسن إمام وردی (طالب بمرحلة الدكتوراه بفرع القانون الخاص)
- مجيد حدادی منش (طالب بمرحلة الدكتوراه بفرع القانون الخاص)

الزارع هو الذي يزرع في أرض الغير ومع رضاه ويتم هذا عبر استخدام الآليات والأدوات الخاصة بالزارع. والإنتاج الحاصل بسبب عمل الزارع سيكون مشتركاً بين المالك والزارع. ومن المعلوم نصيب المالك من الثروات بسبب تملكه الأرض كما أن نصيب الزارع يجيء من ناحية العمل والأدوات والكلفات التي نفقها في سبيل تحصيل الثمرة والإنتاج. لكن بعد مضي زمن العقد الأشياء الباقية والموجودة على الأرض ومن جملتها الشجرة والبناء والجذور القابلة للبقاء وغيرها تتعلق بالزارع ويمتلكها. وهذه الملكية تنشئ له حق السبق في استخدام الأرض وهذا هو الأمر الذي لم يصرح به في القوانين إطلاقاً. كما أن هذا الحق يوجب استمرار علاقة الزارع ومالك الأرض إلى زمن حتى بعد مضي زمن العقد ولا يمكن لأحد الطرفين أن يفسخه ويهمله إلا برضى الآخر.

المفردات الرئيسية: الزارع، المالك، الحقوق الزراعية، الملكية، حق السبق، حق الجذر.

## دراسة جديدة لقاعدة التسبب ونقد القوانين المتعلقة بها

□ السيد أحمد مير حسيني (أستاذ مشارك بجامعة طهران)

□ حسن آب سواران (ماجستير بفرع الفقه ومبادئ القانون الإسلامي)

لا شك في أنّ التسبب أحد أسباب الضمان القهرى. والتسبب معناه هو أن يسبب أحد وبشكل غير مباشر سبب إلحاق الخسارة بشخص آخر وحيث أنّ تعيين الضامن الواقعى لها أهميّة بالغة عند القضاة وطرفى الدعوى، ومن ناحية أخرى التعريف الذى ورد فى القانون وكذلك شتى التعاريف الواردة فى هذا المجال لها إشكالات وتساؤلات جادة، فلا تستطيع هذه التعاريف أن تريح هذه الإبهامات والشكوك، لذلك أردنا أن نلقى الضوء على النقاط المبهمة وإشكالاتها وقد تمّ ذلك عبر التحليل والبحث فى الكلمات اللامعة لأهل البيت عليه السلام كما لنا أن ننظر إلى جميع الروايات المتعلقة بهذا الحقل واستخدام النظريات الفقهية للفقهاء الأفاضل على أمل الحصول على ملاك وضابط لتعيين الضامن الواقعى فى الضمان بالتسبب. ومن الحصائل التى وصلنا إليها أن نستعمل عنوان الضرر بدل عنوان التلف أو الخسارة وذلك بسبب اتساع مفهومه. وبهذه الوتيرة يمكن أن يشمل هذا جميع الأضرار النفسية والمالية وحتى العرضية. كما تجدر الإشارة إلى أنّ سلب الاختيار عن المتضرر وكون أفعال المسبب والمتضرر مجازاً، تعتبر من المعايير التى لا بدّ لحاظها فى تعيين الضامن بالتسبب. وفى نهاية المطاف علينا أن نركّز على أنّ كلّ شخص انطبق عليه ملاكات وضوابط الضامن الواقعى فى الضمان بالتسبب، ضامن حقاً، ولا يسمع إلى أقاويل كتبع الضامن فى سلسلة علل إيجاد الضرر أو قربه.

المفردات الرئيسة: الإلتلاف، التسبب، السبب، الضرر، الضمان، العلة، القوانين الموضوعية، المسبب.

## زمن تحقيق المعاهدات فى الفقه والحقوق الإيرانيّ

□ محمّد على خورسنديان (أستاذ مشارك بجامعة شيراز)

□ ريحانة نصرى پور (ماجستير بفرع القانون الخاص)

لا مجال للشكّ فى أنّ من الشروط المؤثرة على علائق الطرفين فى تحقيق الالتزام

والتعهد هي موعد وزمن تحقيقه. ففي أكثر النظم القانونية المبدأ الأول في تعيين زمن تحقيق العقد هي حاكمية إرادة الطرفين ثم القانون والمحكمة والعرف. والمسألة التي هي محلّ للخلاف والتي تطرقت المقالة الراهنة إلى دراستها هي أنّ في حالة تعيين زمن تحقيق العقد، هل للمتعهد والملتزم قبل الموعد المعين، أن يحقّق الالتزام؟ والجواب أنّ الآثار المترتبة على تحقيق العقد قبل مواعده، يختلف بحسب كون الشرط ضمن العقد أو كونه قيّداً للموضوع الرئيسي للعقد. كما أنّه تجوز أن تكون ماهية هذا الأمر، العقد أو الإيقاع أو قضية حقوقية وذكرت ههنا آراء دالة على التسليم المشروط وكما أنّ بعضها تدلّ على عدم القبول والتسليم إطلاقاً. الدراسة الراهنة ناقشت وقسمت الموضوع ناظرة إلى أنّه هل في المواقف الصريحة أو الضمنية للطرفين أو ضمن الالتفات إلى المواضع والأحوال، وهذا الأمر ينوط بأنّ المدّة ستذهب إلى مصلحة أيّ من الطرفين ويمكن أن يفسّر حكم حالة السكوت إلى مصلحة المتعهد.

المفردات الرئيسية: تحقيق الالتزام، زمن تحقيق المعاهدة، ماهية تحقيق الالتزام، تحقيق المعاهدة قبل بلوغ أجلها.

### التحليل الفقهي للمادة ٦٥١ من القانون المدني

- على أكبر الإيزدي الفرد (أستاذ بجامعة مازندران)
  - محمّد المحسنى الدهكلاني (أستاذ مساعد بجامعة مازندران)
  - شهرام الشاميري الشكفتي (طالب بمرحلة ماجستير بفرع الفقه ومبادئ القانون الإسلامي)
- إذا اشترط في ضمن عقد القرض أن يكون للقارض حقّ مطالبة ماله بعد زمن معيّن، ومن جانب آخر التزم المقترض أن يؤدّي دينه بعد مضيّ الزمن الخاصّ المعقود، ففي هذه الحالة، في صحّة هذا الشرط وكذلك في أثره بين الفقهاء خلاف. ومنشأ هذه الازدواجية في وجهة النظر ليس إلّا خلاف الفقهاء في لزوم عقد القرض أو جوازه. فمشهور الفقهاء يترأى أنّ عقد القرض لازم الطرفين وطائفة أخرى ترى أنّ عقد القرض جائز الطرفين وأمّا الطائفة الثالثة ارتأت أنّ هذا العقد من ناحية المقرض (القارض) لازم والحال أنّ من ناحية المقرض جائز. أمّا أكثر القائلين بلزوم العقد، ذهبوا إلى أنّ شرط المدّة في القرض شرط فاسد ومعظمهم لا يرون أن يكون هذا الفساد سبباً لفساد العقد. وفي المقابل، القائلون

بجواز العقد والشرط رأوا أنّ أثر هذا الاشتراط أمر غير ملزم وقالوا إذا أردنا أن يكون هذا الشرط صالحاً للإلزام فعلياً أن ندرج هذا الشرط في ضمن العقود الملزمة الأخرى. والجدير بالذكر أنّ باحث هذه المادّة مع ذهابه كمشهور الفقهاء إلى كون العقد لازم الطرفين إلاّ أنّه خلافاً لأكثر الفقهاء يرى أنّ اشتراط المدّة في هذا القبيل من العقود يكون مثلاً ونموذجاً للشرط السائغ وعليه يرى أنّ درج هذا الشرط في ضمن عقد القرض يوجب لزوم اتّباعه جدّاً.

المفردات الرئيسة: اللزوم، الجواز، القرض، شرط المدّة.